

واکنش وزارت کشور به گزارش «شرق»

ارائه خدمات به اتباع خارجی به بانک مرکزی ابلاغ شد

واکنش به یک گزارش

ادعای شاکی حرفه‌ای بودن را رد می‌کنیم

صفحه ۸



پنجشنبه ۱۳ مرداد ۱۴۰۱ • ۶ محرم ۱۴۴۴ • ۴ آگوست ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۴۳ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید: نگاهی دیگر به لایحه درآمدهای پایدار شهرداری‌ها، روایت یک گفت‌وگو با شیرین بیانی و **یادداشت‌هایی از علی نودزیور، امیر آریازند، مهدی افشار، «شماره آینده روزنامه شرق سه‌شنبه ۱۸ مرداد منتشر خواهد شد»**

سرمقاله

تقدیر بسیجیان، تحذیر مسئولان



سیدمصطفی هاشمی طباطبائی

یک بار دیگر با جاری‌شدن سیل در نقاط مختلف کشور بسیجیان (به معنای فعالان و داوطلبان و نه‌فقط اعضای سازمان بسیج) نشان دادند که تیرهای بلا را به جان می‌خرند و تاوان عدم پیش‌بینی‌ها و کم‌کاری‌ها و کم‌فکری‌های قاعیدین را می‌دهند و در جبران مافات (در حد ممکن) می‌کوشند.

البته شکی نیست که حوادث طبیعی در بسیاری از مواقع بسیار فراتر از پیش‌بینی‌ها رخ می‌دهد؛ اما این نباید بهانه‌ای شود که هیچ پیش‌بینی‌ای صورت نگیرد و با استدلال فراتربودن حوادث از پیش‌بینی‌ها روزگار را به بطالت بگذرانند. مثال بسیار ساده وضع روستاهای ما در برابر زلزله است، نه آنکه مقصود زلزله ۷ ریشتری به بالا باشد؛ بلکه روستاهای ما در برابر زلزله‌های ۴ و ۵ ریشتری ویران می‌شوند. پس از ۴۳ سال از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی هنوز زلزله‌های حدود ۵ ریشتری جان روستاییان را می‌ستاند. آیا توانسته‌ایم خانه‌های روستایی‌مان را در برابر زلزله ۶ ریشتری مقاوم کنیم. اگر کرده بودیم و زلزله ۸ ریشتری آمده بود می‌توانستیم توجیهی منطقی داشته باشیم. آیا نمی‌توانستیم از اینتا چاره‌ای برای زباله کشور داشته باشیم تا اینک زباله از سر و روی کشور بالا نرود و شیرابه‌های عفونی آن رودخانه‌های شمال کشور را آلوده نکند. اتفاقاً مدارک حاضر نشان می‌دهد در سال ۱۳۶۳ تعداد پنج پروژه تبدیل زباله در کشور در دست اجرا بوده است که معلوم نیست به چه دلیل در سال‌های بعد این نوع اقدامات از قلم افتاده و پیگیری نشده است. به ساخت‌وسازهای شهری هم نگاهی بیندازیم؛ آنجاکه شهرداری تهران در کوچه‌های ۶ تا ۱۰ متری شمال تهران و در روی گسل و اطراف آن اجازه احداث ساختمان ۱۰ تا ۲۰ طبقه را داده است و کافی است با یک زلزله ساده حداقل دست‌انداز پشت‌بام ساختمان به پایین سقوط کند. آن وقت هیچ‌کس در کوچه نمی‌تواند گذر کند. حال چگونه باید امدادرسانی کرد؟ مسئولان ما (مقصود دولت فعلی نیست؛ بلکه همه مسئولان دوره‌های مختلف در سه قوه) ظاهراً یا نمی‌دانند که هزینه تصمیمات‌شان را نهایتاً مردم می‌پردازند یا برای‌شان مهم نیست و البته برخی نیز از این تصمیمات منتفع می‌شوند. میان دولت‌های مختلف در زمان‌های متفاوت و نیز سایر مسئولان تقریباً تفاوت چندانی نیست و میراث هر دوره زمانی مبدائی می‌شود برای دوره بعدی و مسئولان دوره بعدی هم حسب ضرب‌المثل «دستش نزن بدتر می‌شود» روال قبلی را ادامه می‌دهند و نمونه و مثال آن هم شهرداری تهران است که مسئولان آن در زمان‌های مختلف فقط برای‌شان صرف درآمد مطرح بوده است و هوافروشی یا شهرفروشی را آویزه گوش قرار داده‌اند و جالب آنکه مسئولان مسکن و شهرسازی (با وزارت راه و مسکن فعلی) به جای تدوین ضوابط فرایگر برای مسکن کشور هواره شورای‌عالی شهرسازی بیشتر تماشاگر بوده‌اند تا سیاست‌گذار.

اینکه همه تقصیرات را برخی برعهده دولت آقای حسن روحانی می‌گذارند و بر آن محمل می‌رانند، حتماً انحراف از موضوع است و اینکه همه از دولت آقای ابراهیم رئیسی توقع دارند که مسائل را حل کنند، انتظاری بیهوده است. البته مسئله معیشت و انتظار مردم شاید به‌مثابه بومرنگی باشد که طرفداران رئیس دولت فعلی علیه روحانی به کار برده باشند و اینک بومرنگ در بازگشت به دولت برخوردار کرده است، هرچند مسئله معیشت درحال حاضر به دلیل گرانی‌های بی‌حد بیشتر جلوه کرده است. می‌توان گفت که نمی‌توان از دولت فعلی انتظار حل مسئله معیشت را داشت. به هر حال مردم تحمل می‌کنند و هزینه آن را می‌پردازند؛ اما نگرانی مردم تنها مسائل زمان فعلی نیست؛ بلکه آینده را روشن نمی‌بینند. وقتی شرایط زست چنین باشد و آینده نه‌چندان روشنی در دیدگاه مردم وجود داشته باشد طبعاً حوادث طبیعی مانند سیل یا زلزله که رخ می‌دهد، بار سنگینی بر دوش مردم مصیبت‌زده باقی می‌گذارد و این حال ناخوش در موقعیتی که حال کشور ناخوش باشد، تشدید می‌شود. باور کنیم که در طول سال‌های گذشته به دلیل کم‌کاری، آینده‌نشناسی، تفکر پوپولیستی و توسعه معیوب شهری به جای توسعه پایدار، مشکلات فراوان عمومی و زیستگاهی در کشور ایجاد شده و به تبع آن علاوه بر وجه منفی جاری زیستگاهی، حوادث طبیعی به‌شدت تأثیر منفی در جامعه می‌گذارد. در این بحوحه دولت، مجلس و نوعاً حکمرانی تنها به برخی مسائل جاری می‌پردازند و جهت حرکت درست انتخاب نشده است. نمی‌توان انتظار داشت همه مسائل کشور و به‌خصوص مسائل زیستگاهی را این دولت حل کند؛ اما باید انتظار داشت که یکان حرکت دولت حکمرانی در جهت مقابله با این مسائل و درک حل آن باشد که چنین امری مشاهده نمی‌شود؛ بلکه اولویت‌ها کاملاً به دست فراموشی سپرده شده است. اگر این دولت هشت سال در مسند قرار گیرد و حتی نتواند به‌نوعی مرهمی بر مسئله معیشت مردم بگذارد و درعین‌حال پس از هشت سال کشور را بدحال‌تر تحویل دهد، چه باید کرد. مدت‌ها بود که درمورد توسعه ایران و چگونگی آن بحث بود. اینک تقریباً تا توسعه‌گذر کرده‌ایم و به حفظ ایران بسنده کرده‌ایم که آن هم سرنوشته مبهمی دارد. این سنت سینه که مسئولان قاعد، در پی اصلاح نیستند، موجب می‌شود که بار و فشار حوادث بر دوش بسیجیان قائم می‌افتد و البته این تحمل بار نمی‌تواند دائمی و ثمربار باشد و تنها آن‌گاه ممکن است که مسئولان نیز قائم باشند و اولویت‌ها را با قوه دراکه معلوم کنند و با شجاعت درخصوص آنها تصمیم‌گیری کنند.

سیلاب‌های تابستانی کمکی به ذخایر آب سدهای ایران نکرد

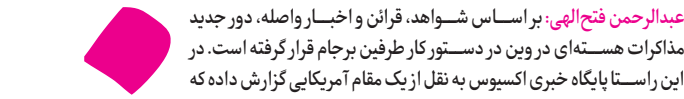
سدهای بدون کاربری؟

گزارش تیتربک را در صفحه ۴ بخوانید



باقری ومورا در وین

میز مذاکرات دوباره چیده شد



عبدالرحمن فتح‌اللهی، بر اساس شواهد، قرائن و اخبار واصله، دور جدید مذاکرات هسته‌ای در وین در دست‌ور کار طرفین برجام قرار گرفته است. در این راستا پایگاه خبری اکسپوس به نقل از یک مقام آمریکایی گزارش داده که مذاکرات وین بر سر احیای برجام امروز پنجشنبه از سرگرفته خواهد شد. آن‌گونه که روز گذشته رویترز مطرح کرده بود، راب مالی راهی پایتخت اتریش شد. به موازاتش ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران هم از عزیمت باقری‌کنی و هیئت مذاکره‌کننده کشور به وین خبر دارد. آنزیکه مورا، نماینده اتحادیه اروپا در مذاکرات وین نیز دی‌روز در بیامی توئیتی خبر داد که برای ازسرگیری مذاکرات احیای برجام راهی وین شده است.

نکنته حائز اهمیت آن است که یک «منبع ایرانی» که نامش فاش نشده نیز به خبرگزاری رویترز گفته مذاکرات امروز در وین به صورت غیرمستقیم و مانند فرمت «نشست دوحه» خواهد بود که در آن آنزیکه مورا پیام‌ها میان باقری و رابرت مالی را منتقل می‌کرد.

اگرچه اساساً نفس ازسرگیری مذاکرات در وین، دوحه یا هر جای دیگری برای پیگیری پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران از طریق دیپلماسی، سازنده و مسیری کم‌هزینه برای همه طرف‌هاست، اما با توجه به

یادداشت

بارش‌های مونسون، سیل و امنیت ملی



سیدعلیر ضا بهبهانی

تحلیل‌گر ارشد حوزه‌مدرن دیپلماسی

نه سیاست‌مداران و نه تحلیل‌گران تا اواخر قرن بیستم توجهی به مسائل غیرنظامی در حوزه امنیت ملی نداشتند و به همین جهت اقدامی هم صورت نگرفته بود. پس از آن بود که کم‌کم این دیدگاه گسترش یافت که تعریف امنیت ملی نه صرفاً بلکه عمدتاً براساس ملاحظات نظامی، گمراه‌کننده و خطرناک است.گذار تدریجی از پارادایم والتر لیبمنی امنیت ملی به پارادایم مکتب کینهایک امنیت، راه را برای ورود عناصر مختلف و متغیر غیر نظامی با دیدگاه‌های مختلف نظیر اقتصاد و سیاست تا هویت، محیط زیست و طبیعت، مسائل اجتماعی و… به درون مطالعات امنیت ملی هموار کرد. این گذار به معنای تغییر موضوع مباحث امنیتی صرف از امنیت حاکمیتی به موضوعات امنیت کل هویت اجتماعی–سیاسی درون یک سرزمین و توسعه‌عناصر تهدیدکننده امنیت از تهدیدات نظامی خارجی به همه عناصری بود که می‌تواند امنیت جوامع متکثر داخل یک جامعه با تفکرات مختلف، مردم و حکومت یک سرزمین را به خطر اندازد.موضوعی که در حکمرانی خوب نیز از آن استفاده شد و امروز در ادبیات حکمرانی کارآمد هم دایان آن قابل رهگیری است، رابطه بین بلایای طبیعی و امنیت ملی از جمله این عناصر است.سیاست‌مداران ۲۰ سالی طول کشید تا بعد از امنیتی‌ها این دیدگاه را پذیرفته و درک کردند و پذیرفتند این فضا و ادبیات به‌شدت مهم است. «تا آنجا که در سال ۲۰۱۲، رئیس‌جمهور وقت اندونزی، آقای دکتر سوسیلو بامبانگ یوده‌ویونو در مراسم افتتاحیه پنجمین کنفرانس وزیران آسیایی برای کاهش مخاطرات بلایا، اعلام کرد که دولتش کاهش بلایای طبیعی را اولویت ملی نخست خود قرار داده است، زیرا به تحقیق دریافته که بلایای طبیعی در اشکال گوناگون آن بزرگ‌ترین تهدید برای امنیت ملی این کشور هستند». پنتاگون از ۲۰۱۰ طی فقط هشت سال نزدیک به ۴۰ گزارش منتشر کرده و در همه آنها بر تهدیدات ناشی از تغییرات اقلیمی و حوادث طبیعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مخاطرات امنیت ملی ایالات متحده تأکید داشته است. سی‌آی‌ای، اف‌بی‌آی و بسیار دیگر از نهادهای امنیتی آمریکا گزارشات تاکیدی در این حوزه داشتند. مخصوصاً بعد از توفان کاترینا که اهمیت تهدید امنیت ملی آن را برابر با حادثه ۱۱ سپتامبر گزارش کردند و دقیقاً پس از آن بود که سند راهبرد موسوس به «امنیت میهن» (Homeland Security) آمریکا که تا پیش از این بر حملات تروریستی متمرکز بود به نحوی بازنگری شد که همه نوع مخاطرات تهدیدکننده سرزمین و مردم آمریکا از جمله بلایای طبیعی را مد نظر قرار داد.

ادامه در صفحه ۵

در گفت‌وگو با احمد بخشایش اردستانی

نماینده پیشین مجلس ارزیابی شد

نمی‌شود هم چوب را بخوریم هم پیاز را؛ باید ایستاد

گروه سیاست: بعد از اظهارنظر مهم سیدکمال خرازی و محمدجواد لاریجانی درباره توان ایران برای ساخت سلاح هسته‌ای، دوشنبه هفته جاری محمد اسلامی نیز اظهارنظری مشابه را مطرح کرد. رئیس سازمان انرژی اتمی در اظهاراتی عنوان کرد: «همان‌طور که آقای خرازی (سیدکمال) مطرح کردند…».

صفحه ۲

تصحیح وپوزش «شرق»

برای یک گزارش میدانی

۲۰ درست است نه ۲۰۰

سفر نانسی پلوسی به تایوان، خشم پکن را برانگیخت

جنگ میکروچیپ‌ها

چگونه ۵۱ سال پیش مأموریت آپولو-۱۵ روی کره ماه منجر به یک رخداد تاریخی شد

داستان یک «مجسمه افتاده»

حواشی اظهار نظر یک مدیرورزشی به صداوسیما رسید

چه کسی گفت جمع کنید از ایران بروید؟

یادداشت روزنامه‌نگاران

پاچه‌های گلی و مدیریت بحران



منتهو بدیعی

نزدیک نیمه‌شب بود که ناگاه «باد دیوانه‌ای» درها و پنجره‌ها را لرزاند و بارانی سیل‌آسا باریدن گرفت و امواجی از خاک و گل را پشت پنجره‌ها ریخت. پنجره‌ای که باز بود امواج آب و توفان را به داخل هال خانه رها کرد. من در یک لحظه، یاد قصه‌های مادربزرگ افتادم. صدای رعد و درخشش مداوم برق رویاهایم را به یاد داد. به خود گفتمم اگر همین‌طور ببارد، خانه پر از آب می‌شود. انگار در همین زمان روح مادربزرگ کاملاً نورانی ظاهر شد و به لهجه گیلکی گفت: «چیزی نیه زای، بارانه ده!».طولانی نکشید که با خاموشی برق، خانه علاوه در توفان و باران در تاریکی فرورفت و ترسی کنگ همه وجودم را در بر گرفت. به خود گفتم: اینجا که می‌کوبد در روستاهای دور و نزدیک چه خواهد کرد؟ بر دامنه کوه چه فجایعی را به بار می‌آورد؟ در مسیر رودخانه‌ها و مسیل‌ها چه نقشه‌ای برای خانه‌های مردمان، مغازه‌های‌شان و زندگی‌شان، خودروهای‌شان و… می‌کشد ما مخلوقات «خدای بزرگ» هستیم که بی‌گمان عشقش را نثار ما کرده است. هرچند خیام بزرگ گفته است: ما لعبتکانیم و فلک لعبت‌باز.در همین فکر بودم که همچنان باران سیل‌آسا می‌بارید و خانه تارک بود و روشنائی لامپ گازی، همه دلهره‌ها را از بین نمی‌برد. می‌توانستی تصور کنی که مردمانی را، خودروهایی را، خانه‌هایی را، کلبه‌هایی را آب برده است. می‌توانستی در خاطر زنده کنی که اگر در سیلاب به دام بفتی، چه سرنوشتی در انتظار توست و… شب می‌گذشت بدون اینکه پلکی بر پلک دیگر فرود آید، بدون اینکه خواب بیاید و بدون اینکه تو از دلهره مردمان رها شوی. فردا صبح که جویبارهای گل‌آلود دم دو پنجره خانه را تمیز می‌کردی، با مرور بر خبرهای سیل، متوجه شدی که اضطراب‌های دیشب تو بی‌مورد نبوده و بخش مهمی از استان‌ها، شهرها و روستاهای کشور دستخوش سیلاب شده است و چه داستان مکرر تلخی، حریم شکسته‌شده رودخانه‌ها، مسیل‌های حذف‌شده، ازبین‌رفتن درختان و پوشش گیاهی قوی، خشکسالی‌های چندساله و بدنبال آن ترسالی، چرای دام‌ها در مناطق سیلاب‌خیز و… و در کنار همه اینها نبود مدیریت بحران و غافلگیری‌های همیشگی و… سیل همواره بغل گوش ما بوده است.

ادامه در صفحه ۹

توضیح درباره یک گزارش

تصحیح وپوزش «شرق» برای یک گزارش میدانی

۲۰ درست است نه ۲۰۰

در گزارش منتشرشده در روزنامه «شرق» با تیترب «اینجا روزی آبادی بوده»، در بخشی از گزارش از زبان یکی از محلی‌هایی که چند نفر از بستگان خود را در حادثه سیل امامزاده داوود از دست داده بود، ادعایی مبنی بر سزای آوار ماندن حداقل ۲۰ نفر منتشر شد که در اشتباهه تایبی این مقدار ۲۰۰ نفر ذکر شده. روزنامه «شرق» ضمن اصلاح این عدد از مخاطبان خود عذرخواهی می‌کند.

^[1] ادامه در صفحه ۵

^[2] ادامه در صفحه ۵